یادداشت

راوی حقیقت در مسیر مصلحت

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

۱۷مرداد «روز خبرنگار» فراتر از یک مناسبت تقویمی، یادآور مسئولیتی خطیر و مستمر است؛ رسالتی که در عرصه اقتصاد، به دلیل پیچیدگی‌ها و حساسیت‌هایش، اهمیت دوچندان می‌یابد. خبرنگاران این حوزه دیگر صرفاً ناقلان آمار و ارقام نیستند، بلکه وظیفه دارند میان لایه‌های پنهان اعداد حرکت کنند و واقعیت‌هایی را آشکار سازند که مستقیماً با زندگی و معیشت مردم در ارتباط است، با این حال این آشکارسازی باید به نحوی انجام شود که نه امید اجتماعی را خدشه‌دار کند و نه به روایت‌های ناقص و جانبدارانه میدان دهد. در این مسیر، ایجاد تعادل میان دو ساحت ضرورتی حیاتی است: از یک سو، پاسداری از عزت و اعتبار کشور و از سوی دیگر، بازتاب بی‌پرده واقعیت‌های اقتصادی. این دو، اگرچه در ظاهر متضاد به نظر می‌رسند، اما در حقیقت مکمل یکدیگرند چراکه کشوری که چشم بر ضعف‌ها و کاستی‌های خود ببندد، مسیر اصلاح و پیشرفت را مسدود می‌کند و کشوری که توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایش را نادیده بگیرد، در عرصه رقابت جهانی تضعیف خواهد شد.

در چنین شرایطی، نقش خبرنگاران به عنوان حلقه واسط میان مردم و سیاستگذاران برجسته‌تر از همیشه می‌شود. آنها باید بتوانند نقدهای کارشناسی و مستند را با بیانی دقیق و سنجیده مطرح کنند؛ بیانی که در عین شفاف‌سازی واقعیت‌ها، از دام افراط و تفریط دور بماند و به ابزار تخریب یا تملق تبدیل نشود. این وظیفه خطیر، نیازمند تعهد حرفه‌ای، دانش تخصصی و مهارت‌های ارتباطی ویژه‌ای است که خبرنگاران باید آن را در خود تقویت کنند.

«اقتصاد» زبانی پیچیده و چندلایه دارد اما نباید آن را صرفاً به مجموعه‌ای از فرمول‌ها و تئوری‌های انتزاعی در کلاس‌های درس محدود کرد. اقتصاد، زیست واقعی مردم در متن جامعه است؛ جایی که مفاهیمی چون تورم، بیکاری، رکود و رشد اقتصادی، نه به عنوان مفاهیم تئوریک بلکه به‌عنوان تجربیاتی ملموس در زندگی روزمره مردم زیست می‌شوند. در چنین فضایی، روایتگری اقتصادی دیگر منحصر به اقتصاددانان نیست بلکه نیازمند مهارت‌های ارتباطی و روایتگری حرفه‌ای است. خبرنگارانی که در حوزه ارتباطات آموزش دیده‌اند، با درک عمیق از نیازها و دغدغه‌های مخاطبان خود، می‌توانند واقعیت‌های اقتصادی را به زبانی روشن، منصفانه و اثرگذار بازگو کنند. آنان می‌دانند چگونه پیچیدگی‌های اقتصاد را بدون تحریف و سطحی‌سازی، برای افکار عمومی تبیین کنند و در عین حال، مصالح اجتماعی و منافع ملی را نیز مد نظر قرار دهند.

اقتصاد زمانی که صرفاً به آمار و نظریه‌ها محدود شود، از بطن جامعه فاصله می‌گیرد. خبرنگاری اقتصادی دیگر تنها تحلیل روندهای بازار یا گزارشگری سیاست‌های پولی و مالی نیست، بلکه فهم عمیق از آنچه در زندگی روزمره مردم می‌گذرد و ترجمه دقیق آن برای نخبگان و سیاستگذاران است. بسیاری از اقتصاددانان در انتقال مفاهیم تخصصی به زبان مردم با دشواری مواجهند چراکه زبان دانشگاه و زبان جامعه دو جهان متفاوتند، در حالی که خبرنگاران ارتباطات‌خوانده با شناخت عمیق از نیازها و انتظارات مخاطبان، می‌توانند میان این دو جهان پلی حرفه‌ای و مؤثر بسازند. از سوی دیگر، این خبرنگاران به واسطه آموزش‌های تخصصی در حوزه رسانه، به خوبی می‌دانند چگونه از ابزارهای نوین روایتگری بهره بگیرند تا پیام اقتصادی، صرفاً یک گزارش خشک و بی‌روح نباشد بلکه به یک روایت اجتماعی تأثیرگذار بدل شود؛ روایتی که هم عمق علمی داشته باشد و هم قابلیت نفوذ در لایه‌های مختلف افکار عمومی را حفظ کند. اینجا همان جایی است که خبرنگار باید میان دو نگاه حقیقت‌گویی و امیدآفرینی تعادل برقرار کند. حقیقت‌گویی الزاماً به معنای سیاه‌نمایی نیست و امیدآفرینی نیز نباید به معنای پاک کردن صورت‌مسئله باشد. خبرنگاری اقتصادی در زیست‌بوم امروز، بیش از آنکه به تخصص صرف در علم اقتصاد نیاز داشته باشد، محتاج نگاهی انسانی، ارتباطی و مسئولانه است.

شرایط اقتصادی کشور در سال‌های اخیر، فشار مضاعفی بر بدنه رسانه‌ای وارد کرده است. خبرنگاران اقتصادی در فضایی فعالیت می‌کنند که علاوه بر محدودیت‌های مالی و امکاناتی با فشارهای بیرونی و درونی نیز مواجهند. در چنین شرایطی، پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. آنان باید در برابر وسوسه سطحی‌نگری و گرایش به روایت‌های جنجالی مقاومت و رسالت خود را در بیان دقیق و مسئولانه واقعیت‌ها حفظ کنند.

یکی از چالش‌های بنیادین در حوزه رسانه، به‌ویژه در حوزه اقتصاد، فقدان درک صحیح و عمیق از ماهیت رسانه در میان برخی مسئولان است. رسانه صرفاً ابزار اطلاع‌رسانی نیست، رسانه نهادی برای تولید معناست. این گزاره مهم، در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

تا زمانی که رسانه به عنوان یک تریبون یک‌سویه دیده شود و نه به عنوان یک بازیگر فعال در عرصه افکار عمومی، نمی‌توان از آن انتظار نقش‌آفرینی مؤثر در بزنگاه‌ها و بحران‌ها را داشت. متأسفانه بسیاری از مسئولان، رسانه را زمانی به رسمیت می‌شناسند که تبعات نادیده‌گرفتن آن، به شکل گلایه‌ها و انتقادات در جامعه بروز کرده است. در بزنگاه‌های اقتصادی، وقتی شکاف اطلاعاتی میان مردم و حاکمیت عمیق می‌شود، برخی مدیران تازه به یاد رسانه‌ها می‌افتند و با گله‌مندی می‌پرسند که چرا فضای افکار عمومی به گونه‌ای دیگر شکل گرفت؟ پاسخ این پرسش، دقیقاً در همان روزهایی نهفته است که به هشدارهای خبرنگاران و رسانه‌ها بی‌اعتنایی شده بود.

اگر رسانه بموقع و مسئولانه در فرایند تصمیم‌سازی اقتصادی وارد شود، می‌تواند نقش پل ارتباطی مؤثری میان جامعه و سیاستگذار ایفا کند، اما هنگامی که رسانه صرفاً در زمان بحران فراخوانده می‌شود، طبیعی است که دیگر قادر به کنترل فضای افکار عمومی نخواهد بود. رسانه نیازمند اعتماد و تعامل مستمر از سوی حاکمیت است؛ نه صرفاً ابزاری برای مدیریت بحران. مادامی که نگاه به رسانه از جنس ابزار صرف باقی بماند، نمی‌توان انتظار داشت روایت‌های صحیح و دقیق از اقتصاد کشور در افکار عمومی نهادینه شود. فهم دقیق رسانه و نقش آن در حکمرانی اقتصادی، حلقه مفقوده‌ای است که نبود آن، هزینه‌های هنگفتی را به کشور تحمیل می‌کند.

روز خبرنگار فرصتی مغتنم برای بازنگری در نقش‌ها و مسئولیت‌های حرفه‌ای است. در زیست‌بوم اقتصادی امروز ایران، خبرنگار اقتصادی باید همزمان حافظ شفافیت، امید و عزت ملی باشد. این سه‌گانه دشوار، مسیری پرچالش اما حیاتی را ترسیم می‌کند؛ مسیری که در آن هر خطا می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی یا ضربه به تصویر کشور در عرصه بین‌المللی منجر شود. خبرنگار اقتصادی باید بداند که رسالتش تنها بازتاب مشکلات نیست، بلکه باید با رویکردی تحلیلی و آینده‌نگر، به گفتمان‌سازی برای عبور از چالش‌ها بپردازد. او باید فراتر از انتقال داده‌ها و گزارش‌ها، نقش یک ناظر دلسوز، یک تحلیلگر واقع‌بین و یک روایتگر مسئول را ایفا کند.

مسیر خبرنگاری اقتصادی در زیست‌بوم امروز، بیش از هر زمان دیگری نیازمند افرادی است که حقیقت را در چارچوب مصلحت ملی بازگو کنند؛ افرادی که با نگاه حرفه‌ای و تخصصی، بتوانند واقعیت‌های اقتصادی را با زبانی دقیق، منصفانه و تأثیرگذار به جامعه منتقل کنند و در عین حال، نقش‌آفرینی فعالی در اصلاح مسیرهای سیاستی کشور داشته باشند. این رسالتی است که خبرنگاران ارتباطات‌خوانده، به واسطه شناخت عمیق از اصول و ابزارهای حرفه‌ای، می‌توانند در تحقق آن نقشی کلیدی ایفا کنند.

گفت‌وگو

هادی اسماعیلی

گفت‌وگوی «جوان» با ارسلان محمدی، کارشناس اقتصادی

«مسکن معیشت‌محور» الگوی جدید توسعه شهری در شرایط بحرانی است

«مسکن معیشت‌محور» اتصال امنیت، اشتغال، تأمین مسکن و رشد تولید غذا در کشورمان است

یکی از ضروریات اصلی پدافند غیرعامل کشور در حوزه مسکن، مدل توزیع‌شده جمعیت مبتنی بر نیازهای شرایط جنگ است. مسکن معیشت‌محور و عرضه زمین مناسب، پاسخ به این نیاز کشور است که همزمان علاوه بر توزیع جمعیت، زمینه افزایش تولید غذا در کشور را فراهم و مسئله مسکن و معیشت مردم را حل خواهد کرد.

علیرضا معصومی | ایسنا

در شرایط فعلی کشور که همزمان با تهدیدات امنیتی، فشارهای اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی گسترده مواجه هستیم، بازطراحی الگوی سکونت و شهرسازی نه‌تنها یک ضرورت زیباشناختی یا فنی، بلکه یک راهبرد اساسی پدافندی و اقتصادی به شمار می‌آید.

یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اقدامات در این مسیر، حرکت به سمت ایجاد خانه‌های تک‌طبقه با قابلیت ساخت پناهگاه از سوی خود مردم در زیر آن است؛ مدلی که در دل خود، هم امنیت را تأمین می‌کند، هم معیشت را سامان و هم جامعه را به سمت تولید و خودکفایی سوق می‌دهد.

این رویکرد به‌طور بنیادین نیازمند اصلاح در سیاستگذاری‌های کلان، خصوصاً در حوزه عرضه زمین است. اگر قرار باشد مردم ایران بتوانند مسکن‌هایی تک‌طبقه با استانداردهای پدافندی و ظرفیت معیشت‌محور بسازند، باید زمین کافی برای چنین ساخت‌وسازی در اختیار آنها قرار گیرد.

این مهم بدون حرکت حاکمیت به سمت تغییر الگوی شهرسازی و توزیع جمعیت از کلانشهرهای متراکم به الگوی پراکنده و متوازن، ممکن نیست.

کشور ما با دارا بودن پهنه وسیع جغرافیایی، اقلیم‌های متنوع و سرزمین‌های مستعد قابل سکونت، ظرفیت بالقوه‌ای برای ایجاد میلیون‌ها واحد مسکونی امن، مستقل و مولد دارد، اما تحقق این ظرفیت نیازمند تغییر نگاه از مدل آپارتمان‌سازی به مسکن معیشت‌محور است. در مدل مسکن معیشت‌محور، هدف فراتر از تأمین سرپناه است. در این مدل، خانواده ایرانی با دریافت زمین به وسعت حدود ۲هزار متر، امکان ایجاد خانه‌ای تک‌طبقه را در بخشی از آن خواهد داشت، در حالی که سایر بخش‌ها می‌تواند به فعالیت‌های اقتصادی اختصاص یابد.

این فعالیت‌ها می‌تواند شامل کشاورزی، دامپروری، باغداری، ایجاد صنایع کوچک تبدیلی یا حتی راه‌اندازی کارگاه‌های خانوادگی باشد. به این ترتیب، مسکن دیگر فقط هزینه‌بر نیست، بلکه یک سرمایه‌گذاری اقتصادی و یک بستر اشتغال خانوادگی خواهد بود. ویژگی ممتاز این مدل، تجمیع سه عنصر اساسی زندگی در یک نقطه واحد است: سکونت، شغل و تولید.

فردی که پیش از این برای کسب درآمد مجبور به مهاجرت به شهرها و زندگی در آپارتمان‌های کوچک و بی‌هویت بود، حالا می‌تواند در زمین خود، با تکیه بر توان تولیدی‌اش زندگی کند.

از سوی دیگر، این سبک از زندگی، خوداتکایی، استقلال اقتصادی و تاب‌آوری اجتماعی خانوارها را به شکل محسوسی افزایش خواهد داد.

در کنار مزایای اقتصادی، جنبه‌های پدافندی این نوع ساخت‌وساز بسیار حائز اهمیت است.

خانه‌های تک‌طبقه نه‌تنها در برابر زلزله مقاوم‌تر هستند، بلکه در سناریوهای جنگی، امکان ایجاد پناهگاه‌های خانگی در زیرزمین آنها، فرصتی برای حفظ جان افراد خانواده در برابر خطرات احتمالی را فراهم می‌آورد. این مهم خصوصاً در مناطقی که با تهدیدات بالقوه مواجه هستند، اهمیت دوچندان دارد. وقتی هر خانواده بتواند پناهگاه اختصاصی و زیرساخت انرژی مستقل داشته باشد، میزان وابستگی به دولت در شرایط بحرانی کاهش می‌یابد و کشور در مجموع به سطح بالاتری از آمادگی دفاعی دست پیدا می‌کند.

در این الگو، تأمین انرژی نیز به صورت مستقل و مبتنی بر منابع تجدیدپذیر طراحی می‌شود.

استفاده از پنل‌های خورشیدی، توربین‌های بادی کوچک، سیستم‌های ذخیره انرژی و حتی تصفیه‌خانه‌های خانگی برای بازتولید آب مصرفی، همگی اجزای مکمل این ساختار هستند. چنین خانه‌ای در صورت قطع سراسری برق یا گاز، همچنان می‌تواند نیازهای ابتدایی ساکنان خود را تأمین کند. به این ترتیب، یک واحد مسکونی تبدیل به یک واحد زیستی مستقل، ایمن و پایدار می‌شود که می‌تواند در بحران‌های مختلف از جمله جنگ، تحریم، زلزله یا سایر حوادث طبیعی، بقا و امنیت خانواده را حفظ کند. ابعاد فرهنگی و اجتماعی این تحول نیز بسیار قابل تأمل است. مسکن معیشت‌محور با تکیه بر سبک زندگی سنتی ایرانی-اسلامی، موجب احیای روابط انسانی، تقویت بنیان خانواده، افزایش حس تعلق به خاک و سرزمین و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. در چنین فضایی، کودکان در طبیعت رشد می‌کنند، خانواده‌ها استقلال اقتصادی دارند و فرهنگ کار، تولید و تلاش جایگزین مصرف‌گرایی و وابستگی می‌شود. همچنین فاصله گرفتن از زندگی متمرکز و آپارتمانی، سطح تعاملات انسانی، صمیمیت خانوادگی و سبک زندگی سالم را افزایش می‌دهد. بخش بزرگی از جمعیت نیز به این الگو اعتماد خواهند کرد و نسبت به وضعیت فعلی خود به سمت استقلال شغلی و تأمین مسکن مناسب برای خود خواهند رفت.

از سوی دیگر، اجرای این سیاست با الزامات مهمی نیز همراه است. نخست آنکه دولت باید اراده‌ای قاطع برای عرضه زمین‌های مناسب داشته باشد.

این زمین‌ها باید در مناطق مستعد، دارای منابع آبی دیمی و همچنین امکان تأمین انرژی از خورشید و باد و دسترسی به جاده‌ها و شبکه‌های ارتباطی باشند.

دوم آنکه باید تسهیلات ساخت مسکن، تجهیزات تولید انرژی تجدیدپذیر، آموزش‌های مهارتی و مشاوره‌های فنی به‌طور فراگیر در اختیار مردم قرار گیرد. سوم آنکه شبکه‌ای منسجم از خرید محصولات تولیدی خانوارها، پشتیبانی فنی، بیمه، تأمین مالی خرد و بازاریابی محصولات در مناطق مختلف کشور توسعه یابد.

این الگو در نهایت می‌تواند ریل‌گذاری جدیدی برای ساخت تمدن نوین ایرانی-اسلامی باشد؛ تمدنی که در آن خانواده، به‌عنوان واحد اصلی جامعه، نه‌تنها مصرف‌کننده بلکه تولیدکننده، تصمیم‌گیر و بازیگر فعال در اقتصاد، امنیت و فرهنگ است، همچنین چنین ساختاری، می‌تواند الگویی موفق برای کشورهای دیگر منطقه باشد که با مشکلات مشابهی در حوزه امنیت، مسکن و معیشت مواجهند.

یکی از ضروریات اصلی پدافند غیرعامل کشور در حوزه مسکن، مدل توزیع‌شده جمعیت مبتنی بر نیازهای شرایط جنگ است. مسکن معیشت‌محور و عرضه زمین مناسب، پاسخ به این نیاز کشور است که همزمان علاوه بر توزیع جمعیت، زمینه افزایش تولید غذا در کشور را فراهم و مسئله مسکن و معیشت مردم را حل خواهد کرد.

ضرورت اصلاح الگوی توسعه شهری

ارسلان محمدی در رابطه با مسئله اصلاح الگوی توسعه شهری با توجه به شرایط بحرانی کشور گفت: یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نیازهای کشور در شرایط جدید منطقه و نیازمندی به توزیع جمعیت در سطح کشور در زمان بحران و همزمان تأمین اشتغال برای مردم است، بنابراین نیازمند بازنگری و بازطراحی الگوی سکونت و شهرسازی کشور با هدف تقویت پدافند غیرعامل، امنیت ملی، تاب‌آوری اقتصادی و معیشت پایدار است. در این میان، موضوع مسکن نه‌تنها به‌عنوان یک نیاز زیستی، بلکه به‌عنوان بستری برای بازتوزیع عادلانه ثروت، توانمندسازی مردم، کاهش وابستگی به مراکز متمرکز و ارتقای سطح خودکفایی خانوارها، از اهمیتی مضاعف برخوردار شده است.

وی در ادامه افزود: یکی از نخستین مؤلفه‌های امنیت ملی در دوران جدید، طراحی زیرساخت‌ها و کالبد شهری به‌گونه‌ای است که در شرایط بحرانی از جمله حملات نظامی، سایبری، تروریستی یا بلایای طبیعی، آسیب‌پذیری به حداقل برسد. ساخت‌وسازهای مرتفع و متراکم در کلانشهرها، شبکه حمل‌ونقل و انرژی متمرکز، وابستگی بالا به شبکه توزیع آب، برق، گاز و مواد غذایی همگی مؤلفه‌هایی هستند که کشور را در برابر هر گونه تهدیدی، در موضع ضعف قرار می‌دهند. کشوری چون ایران که دارای پهنه وسیع سرزمینی، تنوع اقلیمی و ظرفیت‌های بومی گسترده‌ای است، می‌تواند از تمرکززدایی جمعیت، بهره‌برداری کامل کند. این مدل شهرسازی باید با حمل‌ونقل ریلی، توسعه دسترسی‌های ارتباطی و تأمین زیرساخت‌های فناورانه همراه شود تا نه‌تنها تهدیدی برای زندگی نباشد، بلکه فرصت جدیدی برای زیست پایدار فراهم آورد.

محمدی در رابطه با مدل مسکن معیشت‌محور خاطرنشان کرد: مسکن معیشت‌محور پاسخی به این نیازمندی جدی کشور در حوزه پدافند غیرعامل است که موجب پیوند دادن مسئله امنیت با سه حوزه تأمین مسکن، داشتن شغل و رشد تولید خواهد شد. در این مدل، به هر خانواده ایرانی زمین ۲هزارمتری اختصاص داده می‌شود که بخشی از آن به ساخت خانه اختصاص می‌یابد و باقی برای فعالیت‌های اقتصادی از جمله کشاورزی یا دامداری یا راه‌اندازی واحدهای تولیدی کوچک نظیر کارگاه‌های خانگی یا صنایع تبدیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد اصلی در این مدل به این شکل است که همزمان هم می‌توان مسئله امنیت، هم مسئله تنوع بخشیدن به سبد تولید برق و همچنین مسکن و اشتغال مردم را توأمان حل کرد. این مدل از این منظر پاسخ بسیار جدید و متنوعی به مسئله استقرار جمعیت در مدل توزیع شده مناسب برای شرایط جنگ است.

وی در پایان گفت: در نهایت، می‌توان گفت که پیوند میان پدافند غیرعامل، عدالت، تأمین مسکن و اقتصاد مقاومتی در قالب طرح مسکن معیشت‌محور بر بستر خانه‌های تک‌طبقه یکی از راهبردهای کلیدی برای آینده ایران است؛ راهبردی که می‌تواند از یک‌سو امنیت ملی را تقویت کند و از سوی دیگر معیشت مردم را سامان دهد، بدون آنکه بار مالی سنگینی بر دوش دولت بگذارد. این مهم فقط نیازمند اراده، تدبیر و برنامه‌ریزی هدفمند است. در غیر این صورت، همچنان در چرخه باطل توسعه نامتوازن، فقر، آسیب‌های اجتماعی و بحران‌های امنیتی باقی خواهیم ماند. اکنون زمان آن فرارسیده است که حاکمیت با نگاه راهبردی و بلندمدت، کشور را به سمت آینده‌ای امن، مقاوم و آباد سوق دهد؛ آینده‌ای که در آن هر خانواده ایرانی، خانه‌ای امن، معیشتی پایدار و نقشی فعال در امنیت و توسعه کشور خواهد داشت.

گزارش

بهناز قاسمی

امسال یک‌میلیون تن کمبود برنج در بازار داریم

در پی افزایش قیمت برنج ایرانی در بازار و مطرح شدن بحث‌هایی درباره احتکار این کالای اساسی، رئیس انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج ایران با تأکید بر اینکه برخی با شلوغ‌کاری و شانتاژ می‌خواهند آمار غلط وزارت جهاد کشاورزی را پنهان کنند، گفت: اتهام احتکار برنج بی‌اساس است و مستندات ما در اختیار نهادهای نظارتی قرار گرفته است.

محمد مختاریانی در یک نشست خبری با تشریح وضعیت بازار برنج گفت: به طور حتم سیاست‌های جدید وزارت جهاد کشاورزی در خصوص اعلام صحیح میزان تولید برنج داخلی و رفع ممنوعیت واردات در فصل برداشت می‌تواند بازار برنج را متعادل کند. وی افزود: آمار نادرست برداشت برنج در سال گذشته سبب شده است امسال یک‌میلیون تن، کمبود برنج در بازار محسوس باشد. وی به وضعیت بازار برنج در چند سال اخیر پرداخت و گفت: سال ۱۴۰۰ در جلسه ستاد تنظیم بازار در خرداد ماه، انجمن درباره کمبود برنج در کشور اعلام موضوع کرد، در این مقطع زمانی به دلیل تغییر ارز ترجیحی ۴هزارو ۲۰۰ تومانی از سال قبل و سه ماهه نخست ۱۴۰۰ واردات کاهش پیدا کرد. وی افزود: نتیجه جلسه خرداد ماه این شد که در سال ۱۴۰۰ ممنوعیت واردات لغو شد. بر اساس قانون انتفاع، وظیفه واردات برنج از وزارت صنعت، معدن و تجارت به وزارت جهاد کشاورزی واگذار شد، به همین دلیل دوباره ممنوعیت واردات اعمال شد.

این مسئول صنفی تصریح کرد: در سال ۱۴۰۱ به دلیل مشکلات ۱۴۰۰ ممنوعیت واردات برداشته و در این مقطع زمانی بیش از نیاز داخل وارد شد. آمار واردات به یک‌میلیون و ۸۰۰هزار تن رسید. این امر مصادف با بهترین سال برداشت برنج ایرانی شد. وی تصریح کرد: در ادامه روند تولید و واردات برنج، در سال ۱۴۰۲ باعث شد برنج‌های سال قبل در انبارها بماند. در این موضوع از انجمن تأمین‌کنندگان و واردکنندگان برنج کمک خواسته شد.

وی اظهار کرد: در سال ۱۴۰۲، ۱۳۰هزار تن به قیمت ۵۸ تا ۶۰هزار تومان خریداری شد و حدود ۷۰هزار تومان به دست مصرف‌کننده رسید.

وی در ادامه روند بازار برنج عنوان کرد: در سال ۱۴۰۳ موجودی انبار برنج ۱۴۰۲ تخلیه شد. انجمن درخواست جلسه از ستاد تنظیم داد و برخی مشکلات مثل طولانی‌شدن زمان واردات از ۳۰ به ۴۰ روز به دلیل جنگ یمن در ستاد مصوب شد تا ممنوعیت واردات لغو شود. مختاریانی افزود: با تغییر دولت و مستقر شدن دولت جدید ممنوعیت واردات اعمال شد، بنابراین انجمن بارها نامه نوشت و اعلام کرد ورودی کالا کم شده و ممکن است بازار از تعادل خارج شود. ما نسبت به این وضعیت هشدار دادیم. رئیس انجمن تأمین‌کنندگان و واردکنندگان برنج در ادامه به قیمت برنج خارجی اشاره کرد و گفت: قیمت برنج خارجی دو برابر شد و نرخ برنج ایرانی مناسب بود. مصرف عمده بازار به سمت برنج ایرانی بود، ضمن اینکه ارز واردکنندگان برنج تا یک سال قبلش هم پرداخته نشده بود. وی گفت: آمار نادرست برداشت برنج سال قبل سبب شد امسال برنج کهنه نداشته باشیم، در حالی که در سال‌های قبل تا آماده شدن برنج تازه برای پخت، چند ماه ابتدای سال از برنج کهنه استفاده می‌شد.

رئیس انجمن برنج: تهمت احتکار را نمی‌پذیریم

رئیس انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج ایران با رد احتکار از سوی شرکت‌های بزرگ گفت: اتهام احتکار برنج بی‌اساس است و مستندات ما در اختیار نهادهای نظارتی قرار گرفته است.

مختاریانی افزود: در بازار فعلی که قیمت بالا و محصول جدید در راه است، هیچ کس برنج را در انبار نگه نمی‌دارد، چون هم احتمال خرابی وجود دارد و هم خطر افت قیمت.

وی با اشاره به نقش محدود شرکت‌های بزرگ در خرید برنج داخلی ادامه داد: شرکت‌هایی مانند طبیعت تنها ۸/۰ درصد بازار را در اختیار دارند. سال گذشته این شرکت تنها ۲۳هزار تن برنج خریداری کرد، حتی ما برای شفافیت، داوطلبانه از قوه قضائیه و وزارت اطلاعات خواستیم دفاتر و انبارها را بررسی کنند.

مختاریانی از صدور حکم اولیه احتکار برای یک پرونده هزارو ۵۰۰تنی در بهمن‌ماه خبر داد و گفت: ما به‌صورت قانونی موجودی را اعلام کرده بودیم. طبق قانون، اعلام موجودی یعنی احتکار نیست، با این حال رأی صادر شد ولی خوشبختانه در دادگاه تجدیدنظر، تبریه شدیم.

وی گفت: احتکار با انگیزه اقتصادی است، در حالی که با برداشت برنج جدید، قیمت این محصول در بازار کاهش پیدا می‌کند و سودی برای انبار برنج کهنه وجود ندارد.

رئیس انجمن تأمین‌کنندگان و واردکنندگان در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه شرکت‌های بزرگ مبادرت به پیش‌خرید برنج کرده‌اند یا خیر عنوان کرد: این امر صحت ندارد و برنجکار محصولش را پیش‌فروش نمی‌کند چون ممکن است قیمت‌ها در ادامه تغییر کند و افزایش یابد.

وی گفت: با توجه به کاهش واردات برنج در سال گذشته به دلیل اعلام آمار غلط برداشت ۲/۷میلیون تن برنج ایرانی، یک‌میلیون تن کمبود در بازار داریم که باید دید وزارت جهاد کشاورزی برای مدیریت این بازار چه برنامه‌ای دارد.

با هدف حمایت از تولیدکنندگان آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی ۱۲روزه انجام شد

ابلاغ تمهیدات و بسته ویژه حمایتی از واحدهای تولیدی آسیب‌دیده

بانک

بانک مرکزی با هدف حمایت از تولیدکنندگان آسیب‌دیده طی جنگ تحمیلی ۱۲روزه و در اجرای تصویب‌نامه هیئت وزیران، «دستورالعمل اجرایی بند (۶) تصویب نامه شماره ۱۳۴۰۰/م مورخ ۱۴۰۴/۴/۱۲ هیئت وزیران» مبنی بر تمهیدات ویژه برای حمایت از واحدهای آسیب‌دیده را به شبکه بانکی ابلاغ کرد.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، بخشنامه شماره ۱۱۱۲۸۵/۰۴ مورخ ۱۳مرداد ماه ۱۴۰۴ به شرح زیر است: احتراماً، به پیوست «دستورالعمل اجرایی بند (۶) تصویب نامه شماره ۱۳۴۰۰/م مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ هیئت وزیران» که در جلسه مورخ ۱۴۰۴/۵/۸ هیئت عالی بانک مرکزی به تصویب رسیده است، جهت استحضار و صدور دستور اقدام مقتضی ایفاد می‌گردد.

«دستورالعمل اجرایی بند (۶) تصویب نامه شماره ۱۳۴۰۰/م مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ هیئت وزیران»

در اجرای تکلیف مندرج در «بند (۶) تصویب نامه شماره ۱۳۴۰۰/م مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ هیئت وزیران» مبنی بر تدوین و ابلاغ دستورالعمل اجرایی بند مذکور به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و با همکاری وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور، «دستورالعمل اجرایی بند (۶) تصویب نامه شماره ۱۳۴۰۰/م مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ هیئت وزیران» که از این پس به اختصار «دستورالعمل» نامیده می‌شود، به شرح ذیل تصویب می‌گردد.

ماده ۱- اختصارات و اصطلاحات به کار رفته در این دستورالعمل، در معانی مشروح ذیل است:

الف- بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ب- هیئت عالی: هیئت عالی بانک مرکزی

پ- مؤسسه اعتباری: بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی تأسیس شده و تحت نظارت بانک مرکزی می‌باشد

ت- تصویب نامه: تصویب‌نامه شماره ۱۳۴۰۰/م مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ هیئت وزیران

ث- واحدهای مشمول: واحدهای تولیدکننده کالاها و خدمات حائز اولویت موضوع بند ۱ تصویب نامه مطابق فهرست پیوست دستورالعمل

ماده ۲- تسهیلات سرمایه در گردش واحدهای مشمول که تاریخ سررسید آن از ۱۴۰۴/۰۳/۲۳ لغایت ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ می‌باشد، به تشخیص مؤسسه اعتباری، مشمول اعطای مهلت تسویه سه ماهه از تاریخ سررسید (حداکثر تا ۳۰ مهرماه ۱۴۰۴) بدون دریافت هرگونه وجه از جمله پیش‌پرداخت از واحدهای مذکور می‌باشد.

ماده ۳- با درخواست واحدهای مشمول، حد/سقف اعتباری مصوب برای این واحدها که مهلت استفاده آن تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ منقضی می‌گردد، به تشخیص مؤسسه اعتباری، به مدت دو ماه (حداکثر تا ۱۴۰۴/۰۸/۰۸) تمدید می‌شود.

ماده ۴- در صورتی که مطالبات مؤسسه اعتباری از محل بدهکاران بابت اعتبارات اسنادی/ضمانت‌نامه‌های پرداخت شده توسط مؤسسه اعتباری تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ حداکثر پس از سه ماه وصول نشود، مطالبات مذکور به طبقه مشکوک‌الوصول منتقل می‌شود.

ماده ۵- سهمیه مؤسسات اعتباری بابت پرداخت تسهیلات به واحدهای تولیدی دارویی، تجهیزات پزشکی و شیرخشک مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (سازمان غذا و دارو) طی سال ۱۴۰۴ نسبت به میزان سهمیه ابلاغی سال قبل دو برابر می‌شود. مؤسسات اعتباری مکلفند در چارچوب سهمیه‌بندی ابلاغی بانک مرکزی در خصوص پرداخت تسهیلات مزبور تا پایان سال جاری اقدام نمایند.

ماده ۶- اعطای تسهیلات به واحدهای مشمول تا سقف ۷۰میلیارد ریال تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ به تشخیص مؤسسه اعتباری برای یک بار با اخذ چک و سفته امکانپذیر می‌باشد.